

کاربست بینامتنیت در ادبیات مقاومت فلسطین (مطالعه موردی: کاریکاتورهای ناجی العلی)

علی افزلی*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران

ولید ساعدی نسب

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی تهران

زینب قاسمی اصل

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

(از ص ۱۴۵ تا ۱۵۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

چکیده

ناجی العلی از جمله هنرمندانی است که با درک جایگاه متون چندرسانه‌ای، ادبیات و فرهنگ عربی را در آثار خویش به شکل‌های مختلف انعکاس داده است. مطالعه کیفیت کاربرد بینامتنیت به‌عنوان یک استراتژی متنی در آثار ناجی العلی، هدفی است که پژوهش حاضر بر مبنای آن نگاشته شد. بدین منظور نگارندگان ذیل این پرسش که بینامتنیت چه تأثیری بر فرم و محتوای آثار العلی داشته است، این جستار را به سرانجام رساندند. در فرآیند بررسی روابط بینامتنی موجود بین ادبیات عربی و هنر کاریکاتور نزد العلی، استخراج و دسته‌بندی شد. با تحلیل نمونه‌ها این نتایج بدست آمد: بینامتنیت در آثار ناجی العلی، از جنبه ساختاری، گاه در طرح اثر و گاه فقط به‌صورت یک یا چند کلمه استفاده شده است. نوع دیگری هم وجود دارد که از هر دو گزینه یعنی الگوی اثر و استفاده از متن، بهره می‌برند. اما از نظر محتوا و درون‌مایه، العلی در به‌کارگیری بینامتنیت تلاش کرده است تا ضمن استفاده از مفاهیم مقبول نزد ملت‌ها، ذهن مخاطب را به سمتی هدایت کند که رنج فلسطین را دریابد. این تلاش ناجی العلی در انواع مختلف بینامتنیت تاریخی، مذهبی، فولکلوریک و فرهنگ جهانی قابل مشاهده است که راهبردهای تضاد، تعجب، طرح سوال، طنز تلخ و... برای بیان آنها به‌تناسب مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات مقاومت، فلسطین، بینامتنیت، ناجی العلی، کاریکاتور.

۱. مقدمه

ادبیات، به‌عنوان گران‌سنگ‌ترین مؤلفه فرهنگی نزد جوامع مختلف، همواره در کانون توجه نظام هنری قرار دارد. قدرت ادبیات در تأثیرگذاری بر هنر قدیم را می‌توان به شکل جدی در معماری مشاهده کرد که چگونه از زیباترین اشعار برای تزئین بناها، کاشی‌کاری و .. استفاده می‌شد. اما در دوره معاصر این تأثیر بر هنرهای مختلف، شکل تازه‌ای به خود گرفته و از ظرافت‌های خاصی برخوردار است. کاریکاتور یکی از هنرهای معاصر است که تحت تأثیر ادبیات قرار دارد.

هنر کاریکاتور به‌عنوان یکی از روش‌های ارائه نقد سیاسی و اجتماعی در قالب تصویر، توانسته است، به‌عنوان یک الگوی ارتباطی کارآمد در دنیای رسانه، شناخته شود. عکس و کاریکاتور در حال حاضر، انحصاری که در قرن گذشته تا حد زیادی بر محصولات متن محور استوار بود را تغییر داده و سهم بزرگی از دنیای ارتباطات را به خود اختصاص داده‌اند.

کاریکاتور را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هنر ارائه تصاویر اشخاص یا اشیاء که در آن صفات و خصوصیات بارز فرد یا شی، به نحوی اغراق آمیز، مضحک و غیرطبیعی به تصویر کشیده می‌شود» (Webster, 2008: 211).

با این توصیف، کاریکاتوریست به منزله طراح است که پیام دلخواه خویش را در قالب کاریکاتور به مخاطب عرضه کرده و تلاش دارد تا با به کارگیری نقد گزنده، تلنگری در ذهن مخاطب ایجاد کند.

کاریکاتور با توجه به تعریفی که از آن ارائه شد خود در یک بافت فرهنگی، سیاسی و... جریان دارد که برای تفسیر کاریکاتور باید بدان توجه نمود. در پژوهش حاضر آثار ناجی العلی، کاریکاتوریست فلسطینی که آثارش در بافت سیاسی، اجتماعی خاص مربوط به اشغال فلسطین قرار دارند، مورد بررسی قرار گرفته است. در آثار این هنرمند، از ظلم بزرگی که اسرائیل و جامعه جهانی و سیاست‌های منفعلانه حاکمان سرزمین‌های عربی بر کشور و ملت فلسطین روا داشته‌اند، سخن گفته شده و با تکنیک‌های مختلفی از جمله بینامتنیت به تصویر کشیده شده است. بینامتنیت به‌عنوان یکی از پرکاربردترین تکنیک‌هایی که ناجی العلی در خلق آثار و انتقال اندیشه خود به خدمت گرفته است، به شکل‌های مختلف در کاریکاتورهای او دیده می‌شود. اما باید ابعاد این تکنیک به صورت علمی، مورد بررسی واقع شود تا بتوان در نهایت به الگوی فکری و اندیشه‌ای که ورای

این بینامتنیت وجود دارد دست یافت. این نگاه هنرمندانه و استفاده خلاقانه از راهبرد بینامتن، این سؤال را مطرح ساخت که کیفیت کاربرد بینامتنیت در هنرکاریکاتور که ناجی العلی یکی از چهره‌های معروف دنیا در این عرصه به شمار می‌رود، چگونه است و بینامتنیت چه تأثیری بر فرم و محتوای آثار او داشته است؟

نگارندگان تلاش دارند ضمن دسته‌بندی انواع روابط بینامتنی، اندیشه موجود در این روابط اشاره و هنر انتقال پیام به وسیله این تکنیک را مورد بحث و بررسی قرار دهند. تلاش‌های ناجی العلی در دفاع از حقانیت فلسطین و بیان رنج مردمش، شکل جدیدی از جسارت و شجاعت را به هنرمندانی که در این عرصه فعالیت داشتند، بخشید. ابداعاتی که در تلفیق هنر کاریکاتور با مضامین و مفاهیم دینی و سیاسی همراه بود، آثار او را از جهات مختلف شایسته بررسی و تحقیق قرار داده است.

از جمله مهم‌ترین آثاری که درباره ناجی العلی به چاپ رسیده می‌توان به کتاب *ناجی العلی، مدهش الملهاة و مفتح المأساة* اثر ماهر الیوسفی اشاره کرد که به بررسی برخی جوانب شخصیتی و معرفی آثار این هنرمند پرداخته است. نویسنده با اشاره‌ای گذرا به برخی نمادهای مورد استفاده ناجی العلی در کاریکاتورهایش، شخصیت «حنظلة»^۱ را به عنوان مهم‌ترین سمبل آثار وی بررسی کرده است. دومین مورد، کتاب *أكله الذئب، السیرة الفنية للرسام ناجی العلی* اثر شاکر النابلسی است که به معرفی و توصیف آثار ناجی العلی می‌پردازد. سومین اثر، کتاب *حركة الوعي في کاریكاتیر ناجی العلی* نوشته خالد الفقیه است که نقش آثار العلی را در بیدار کردن حس پرسشگری در مخاطب و ترغیب آنها به خلق یک شخصیت کنجکاو و حساس نسبت به مصائب انسانی و جهان پیرامون، مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب تأثیر کاریکاتورهای ناجی العلی را بر چند مؤلفه مهم همانند توسعه سیاسی، مفهوم دموکراسی، فقر و اتحاد ملی به بحث و بررسی می‌گذارد. چهارمین کتاب، مجموعه‌ای از نوشته‌ها و تجربه‌های شخصی تنی چند از نویسندگان جهان عرب درباره این کاریکاتوریست بوده، که تحت عنوان *ناجی العلی نبض لم یزل فینا* به رشته تحریر درآمده است. مقاله علی البوجدیدی تحت عنوان «*الفضاء في الكاریكاتیر الساخر: رسوم ناجی العلی الكاریكاتوریة*»، به بررسی نشانه‌شناختی برخی آثار ناجی العلی پرداخته است. همچنین زندگی‌نامه این هنرمند در کتاب *ناجی العلی، كامل التراب الفلسطینی، من أجل هذا قتلوني* به ضمیمه تصاویر مشهورترین آثارش توسط محمود عبدالله کلم منتشر شده است.

۲. ناجی العلی

ناجی سلیم حسین العلی، هنرمند فلسطینی در سال ۱۹۳۸ میلادی در روستای الشجره، نزدیک شهر الناصره به دنیا آمد. «تا قبل از اشغال فلسطین، روستای الجلیل میزبان مسیحیان و مسلمانان بود، اما با ورود یهودیان، درگیری‌های خونینی بین ساکنان روستا و صهیونیست‌ها بوجود آمد که تعداد زیادی از جوانان روستا کشته شدند. روستای الشجره سرانجام با ورود نیروهای کمک اسرائیلی، سقوط کرد» (الأسدی، ۱۹۹۴: ۳۲).

به دنبال اشغال روستا، در سال ۱۹۴۸، ناجی ده ساله همراه با خانواده‌اش آواره شده و در اردوگاه در لبنان سکنی گزیدند که «زندگی او در اردوگاه چیزی جز گذران حقیرانه ایام نبود، اما دیری نپایید که شعله‌های آگاه در وجودش زبانه کشید و راه جدیدی پیش گرفت» (کلم، ۲۰۰۱: ۲۴).

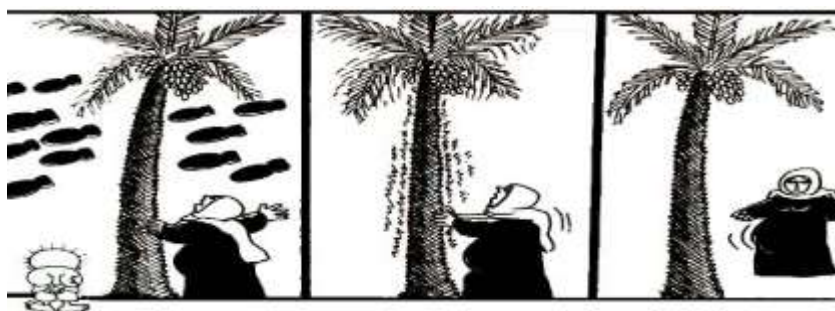
ناجی العلی، کاریکاتور اکسپرسیونیستی را در همان نوجوانی، تحت تأثیر عبدالکریم الکریمی شاعر فلسطینی که در اردوگاه کنار آنان زندگی می‌کرد، آغاز نمود. «آنجا بود که استعداد و علاقه ناجی به کاریکاتور نمایان شد اما برنامه‌های معمول مدرسه و محدودیت امکانات اردوگاه، اندیشه کمال‌گرای او را قانع نمی‌کرد (عابدی، ۱۹۸۹: ۱۵). در سال ۱۹۵۷ برای انجام یک عمل جراحی به عربستان سفر کرد و دو سال در آنجا اقامت گزید. پس از آن به لبنان رفت و به جنبش ملی‌گرایان عرب پیوست. آنجا به آکادمی هنر پطرس پیوست و تحصیل در رشته کاریکاتور را آغاز کرد اما پس از چند ماه دستگیر و از ادامه تحصیل بازماند. با این حال زندان نتوانست هنر او را متوقف کند. اولین کاریکاتور او به صورت رسمی در سال ۱۹۶۱ در نشریه «الحریة» به چاپ رسید و طولی نکشید آوازه شهرت او مرزها را درنوردید. از او نزدیک به چهارهزار کاریکاتور به جای مانده است. ناجی در سال ۱۹۸۷ میلادی به دست عوامل صهیونیستی در لندن ترور و همان‌جا به خاک سپرده شد.

نگارندگان این پژوهش تلاش دارند که بر اساس بینامتنیت ضمنی، انواع روابط بینامتنی مختلف اعم از دینی، تاریخی، فرهنگ عامیانه (فولکلور) و فرهنگ جهانی را در کاریکاتورهای ناجی العلی تبیین و کیفیت آن را بررسی کنند.

۳. بینامتنیت دینی

استفاده از آیات قرآنی به منظور استفاده در بینامتنیت جایگاه ویژه‌ای در کاریکاتورهای العلی دارد. این مسئله بدین جهت است که قرآن به دلیل اشتراک بین همه مسلمانان

که ممکن است در دیگر مسائل مذهبی دچار اختلاف هستند، کارکردی وحدت‌آفرین داشته و انتقال پیام به واسطه آن با سهولت بیشتری انجام می‌شود. به بیان دیگر، استفاده از قرآن به خاطر این است که نوعی زبان مشترک بین نحله‌های گوناگون اسلامی محسوب می‌شود.



نخستین نگاه به این کاریکاتور، داستان قرآنی حضرت مریم^(س) را به یاد مخاطب می‌آورد که در آن حضرت مریم به دستور خداوند، تنه درخت خرمايي را که در زیر آن نشسته بود تکان می‌دهد تا از آن، خرماي تازه بر ايشان فرو ریزد^۲. العلی با الهام از داستان قرآنی، آن را در مورد مسئله فلسطین به کار گرفته است. در اینجا حضرت مریم^(س) نماد فلسطین بوده که با تکان دادن تنه درخت خرما، بمب‌های رژیم صهیونیستی بر سر او روانه می‌شود و قوتی جز بمب‌های رژیم غاصب صهیونیستی برای او حاصل نمی‌شود. همچنین بینامتنیت قرآنی در کاریکاتور زیر قابل مشاهده است.



www.najlatol.net

در این کاریکاتور نیز العلی بینامتنیت را در طرح کلی به کار گرفته و تصویر خود را بر پایه یک داستان قرآنی ترسیم کرده است. او با نوشته «سفینة نوح» به معنای کشتی نوح، مضمون قرآنی آیات ۴۰ و ۴۱ سوره هود را در اذهان تداعی می‌کند^۳. در این آیات مبارکه حضرت نوح^(ع) به دستور خداوند از هر موجودی زوجی را به درون کشتی خود

فرا می‌خواند تا با آمدن طوفان در امان باشند. ناجی العلی همین مفهوم کشتی نوح را درباره آوارگان فلسطینی به کار می‌گیرد و با نشان دادن یک مجروح که یک زن نجات یافته از جنگ در حال کشاندنش به داخل کشتی است، مفهوم غربت و آوارگی فلسطینیان را به تصویر می‌کشد. نمونه زیر نیز یکی از مصادیق بینامتنیت دینی است.



www.najjalal.net

در این کاریکاتور نشانه‌هایی از میراث دینی مسیحی-اسلامی قابل مشاهده است. تصویر صلیب در اینجا نماد بر صلیب کشیدن حضرت مسیح^(ع) به اعتقاد مسیحیان و کلمات «أحد أحد» به معنای «خداوند یکتاست، یکتاست» یادآور مقاومت مسلمانان صدر اسلام در مقابل شکنجه مشرکان است. «بلال بن رباح» بردهٔ أمیه بن خلف، از پیشگامان توحید است. اربابش روزها او را از خانه بیرون می‌برد و روی سنگ‌های داغ مکه می‌خواباند و سنگ بزرگی روی سینه اش می‌گذارد و بدو می‌گفت: بخدا سوگند به همین حال خواهی بود تا بمیری و یا از خدای محمد دست برداری و لات و عزی را پرستش کنی. بلال در همان حال که بود می‌گفت: «أحد... أحد...» (محلّاتی، ۱۳۶۸: ۴۴). در این کاریکاتور مذاکره‌کنندهٔ فلسطینی در حال رفتن به مذاکرات است که ملت فلسطین همچون بلال حبشی که توسط اربابش به سنگ بسته می‌شد، به ریل قطار بسته شده است و ندای «أحد أحد» (یکتاست یکتاست) نشان پافشاری این ملت بر حقوق خود و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود است. «کامل التراب» که به معنی همه خاک فلسطین است، از جمله واژگانی است که در ادبیات سیاسی فلسطین بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عبارتی یکی از کلیدواژه‌های مقاومت است. در کنار هم قرار گرفتن این عبارت با ندای توحید بلال، حاوی این پیام است که مقاومت بر سر آزادی همهٔ خاک فلسطین تا پیروزی نهایی ادامه خواهد یافت.

ناجی العلی همواره شخصیت‌های بد کاریکاتورهایش را به شکل کرپه می‌کشد و «این شخصیت‌ها حضوری دائم در کاریکاتورهای او دارند، آنها نماد نظام‌های مرتجع با

همه رنگ و لعاب و اختلاف‌های موجود بین آنها است، او آنها را بدشکل، با سرهای بزرگ و شکم‌های گنده ترسیم می‌کند که دائماً در حال تبعیت از نظام‌های غربی هستند» (العابودي، ۱۹۸۹: ۶۴).



این تصویر عده‌ای از حجاج را در حال اجرای مناسک حج و با لباس احرام نمایش می‌دهد که در آن شخصیت‌های منفی که همیشه ناجی‌العلی آنها را با اندامی بزرگ و کریه به تصویر می‌کشد، لباس سفید رنگ احرام پوشیده‌اند، این در حالی است که شخصیت‌های سیاه‌پوش فلسطینی با لباس سیاه مُحرم شده‌اند و بالای کاریکاتور نوشته «حجاج محروم از وطنشان با لباس سیاه احرام کرده‌اند» به چشم می‌خورد که گویای اعتراض ملت فلسطین به کشورهای عربی است که از نصرت ملت فلسطین دست کشیده‌اند، حتی حنظله شخصیتی که در بیشتر کاریکاتورهای ناجی‌العلی دست به پشت و نظاره‌گر ترسیم می‌شود در اینجا با لباس سیاه رنگ احرام کرده است و با ملت مظلوم فلسطین همدردی می‌کند.

۴. بینامتنیت تاریخی

استفاده از بینامتنیت تاریخی، یکی دیگر از استراتژی‌های این هنرمند است. او به وقایع و شخصیت‌های تاریخی متوسل می‌شود بلکه این نمادهای تاریخی وجدان ملت عرب را در دفاع از مسئله فلسطین برانگیزد.



در این کاریکاتور که بیانگر اختلاف شدید جریان‌های سیاسی و دولت‌های مسلمان درباره نحوه جهت‌گیری در خصوص قضیه فلسطین است، سه شخص با شمایل کریه و جثه بزرگ که علامت شخصیت‌های منفی در آثار اوست، هر کدام در حال فریاد زدن و یاری طلبیدن از کسی هستند شخص اول با فریاد سر دادن «واعروب‌تاه» از سردمداران کشورهای عربی استمداد می‌جوید ولی ندای او بی جواب می‌ماند در نتیجه به دستن شخص دیگری چنگ زده است که او فریاد «وا اسلاماه» سرداده است و از کشورهای اسلامی کمک می‌خواهد این در حالی است که شخصی که فریاد «وا اسلاماه» می‌دهد خود به دنبال شخص دیگری است که ندای «وا آمریکا» سرداده است و به آمریکا پناه آورده است. ناجی العلی با تکیه به آن داستان تاریخی که در آن مسلمان توانستند با عزت لشکر روم را شکست دهند جهت بیان این واقعیت دردآور جامعه مسلمانان و تبعیت آنها از نظام‌های مستکبری چون آمریکا استفاده می‌کند و با استفاده از این تضاد در الفاظ وضعیت موجود کشورهای عربی را به سخره می‌گیرد که در گذشته چگونه شهادت می‌ورزیدند و امروز در مقابل مسئله فلسطین چگونه ذلیلانه سکوت اختیار کرده‌اند و دنباله رو آمریکا شده‌اند.

این کاریکاتور نیز دربردارنده بینامتنیت تاریخی است:



ناجی العلی در این کاریکاتور همانند کاریکاتور سابق به سراغ شخصیت‌های تاریخی معروف جهان اسلام می‌رود تا با حاضر کردن آنها در کاریکاتورهایش و مقایسه کردن آن شخصیت‌ها با شخصیت‌های حال حاضر جهان اسلام یک نوع تضاد و حس خشم را نسبت به سران کشورهای عربی در خواننده بیدار کند. در این کاریکاتور شخصی ترسیم شده که در حال خواندن روزنامه‌ای است که در آن مطلبی از «جنگ حطین» به چاپ رسیده است.^۴ این شخصیت خوب کاریکاتور جمله «اگر صلاح الدین زنده بود» را زمزمه می‌کند و در جواب، حنظله شخصیتی که در بیشتر کاریکاتورهای ناجی العلی نظاره‌گر است این بار با زل زدن به جمعیت جواب می‌دهد که «او را ترور می‌کردند». این دو جمله پرده از واقعیت دردآوری است که جهان عرب به آن مبتلا است به طوری که سران این کشورها چنان فاسدند که اگر در این روزگار صلاح الدینی ظهور کند باز آنها به خاطر سرسپردگی‌شان به کشورهای بیگانه مجبور می‌شوند تا او را ترور کنند. در همان حال این کاریکاتور، حسرت ناجی العلی از فقدان شخصیت‌های بزرگ در جامعه عربی را نشان می‌دهد که چگونه در سابق توانستند با رشادت‌ها قدس را از چنگال صلیبی‌ها آزاد کنند و امروز ذلیلانه اگر حرکتی علیه رژیم صهیونیستی انجام دهند، توسط حاکمان خود ترور می‌شوند. در کاریکاتور زیر نمونه دیگری از بینامتنیت تاریخی وجود دارد:



این کاریکاتور به نامه هارون الرشید به پادشاه روم اشاره دارد. در منابع تاریخی ذکر شده است که سال ۱۸۱ هـ ق هارون با سپاهی بزرگ به آسیای صغیر لشکر کشید و تا قسطنطنیه پیش رفت و ملکه روم که توان مقابله با سپاه هارون را نداشت از در صلح درآمد و تعهد داد که سالانه غرامتی برای درگاه خلافت بفرستد (خضری، ۱۳۷۹: ۴۹). چند سال پس از آن که «نقفور» به امپراتوری روم رسید، سیر قرارداد صلح مذکور را نادیده گرفت و در نامه‌ای برای هارون نوشت که غرامتها را بازگرداند و گرنه برای جنگ آماده شود. هارون در پاسخ امپراتور روم نامه‌ای با لحن تند و تحقیر کننده نوشت و با سپاهی آسیای صغیر را در نوردید و امپراتور به ناچار شرایط قبلی را برای صلح پذیرفت (طبری،

۱۹۶۷: ۳۰۸). ناجی العلی با اشاره به این واقعه تاریخی که عظمت مسلمانان در دوران گذشته را روایت می‌کند، سعی دارد آن را با وضعیت امروز فلسطین بسنجد و در نتیجه طنزی تلخ را به خوانندگان القا کند؛ به طوری که با کشیدن نامه‌ای که از سوی نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی «اسحاق شامیر» به کشورهای اسلامی و عربی نوشته و در آن ذکر می‌کند «یا تسلیم می‌شوید یا باید جزیه پرداخت کنید در غیر این صورت بین ما و شما جنگ خواهد بود»، وضعیت خفت‌بار مسلمانان و سران کشورهای عربی را به سخره می‌گیرد که امروز علاوه بر اشغال سرزمین فلسطین برای در امان ماندن باید به دشمن صهیونیستی جزیه پرداخت کنند.

کاریکاتور زیر نیز به یکی از وقایع تاریخی جهان معاصر، یعنی حادثه سقوط دیوار برلین اشاره دارد:



اصرار و پافشاری ملت آلمان بر خواسته‌های خود که همان آزادی و اتحاد دو آلمان شرقی و غربی است، ناجی العلی را وامی‌دارد تا سستی ملت‌های اسلامی و عربی در قبال آزادسازی فلسطین را این گونه به تصویر بکشد، به طوری که با کشیدن دیوار برلین و نوشته‌ای که بر آن چنین حک شده است: «به نیابت از خود و ملت‌های عربی، اعلام می‌کنم آمریکا فروخواهد پاشید»، قصد دارد بی‌اعتنایی ملت‌های عربی و سردمداران آنها را به سخره بگیرد که چنان بی‌لیاقت و سست شده‌اند که آلمان‌ها به نیابت از آنها، انزجار و ناخرسندی خود را از سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی اعلام می‌کنند.

۵. بینامتنیت فرهنگ عامیانه (فولکلور)

داستان‌ها، اشعار و آداب و رسوم سنتی هر قوم و ملت جزء میراث و افتخارات آن به شمار می‌آید و هر ملتی برای حفظ زبان و فرهنگ و هویت ملی خود می‌کوشد تا از آنها پاسداری کنند. این آداب، رسوم و سنت‌ها همواره مورد توجه کاریکاتوریست‌هاست. آنها سعی می‌کنند برای برقرار کردن ارتباط بیشتر با مخاطبان خود از آنها بهره ببرند؛ چراکه

این سنت‌ها به خصوصیات فرهنگی خاص آن جامعه توجه دارند؛ به همین خاطر از تأثیر صد چندان بر افراد آن جامعه برخوردارند. العلی نیز از این آداب و رسوم عامیانه ملت‌های عربی و فلسطینیان جهت خدمت به مسئله فلسطین استفاده می‌کند. این طنز سیاه العلی پیوند عمیقی با فرهنگ عامیانه و شفاهی ملت فلسطین و جهان عرب دارد و اوست که این ابعاد حاشیه‌ای فرهنگ عربی را وارد هنرهای تجسمی کرد که به نوبه خود قدم بسیار مهمی قلمداد می‌شود چراکه ارتباط با زبان عامیانه وجدان عموم مردم را هدف می‌گیرد و باعث می‌شود از مرحله تقلید به نوآوری گذر کند و به آفرینش زبان هنری خاصی منجر شود (أبراشد، ۲۰۰۴: ۱۱). از آثار فولکلوری او می‌توان به کاریکاتور زیر اشاره کرد:



این کاریکاتور به رقص سنتی «دبکه»^۵ اشاره دارد. ناجی العلی از این سنت رایج در آن کشورها برای بیان همدستی برخی از سران کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند و چند شخص را که لباس سنتی عربی آن منطقه را پوشیده‌اند، ترسیم می‌کند که در میان آنها یک سرباز اسرائیلی به چشم می‌خورد و دوش به دوش آنها در حال پایکوبی است. العلی از قصد چهره اشخاص را عبوس و درهم کشیده ترسیم کرده است که گویای عجز کشورهای عربی و نداشتن هیچ چاره‌ای جز تعامل با این رژیم است.

در کاریکاتور مشابه دیگری العلی از این سنت قدیمی به شکل دیگری بهره‌برداری می‌کند.



در این کاریکاتور این بار ناجی العلی چند سرباز مقاوت اسلامی حزب الله را به تصویر می کشد که لباس رزم پوشیده و برای مقابله با رژیم صهیونیستی مهیا شده اند و در حالی که پرچم لبنان را به دست گرفته اند، در حال پایکوبی بر تصویر ستاره هستند که نماد رژیم صهیونیستی است. او با این تصویر برخلاف تصویر قبل، تنها امید خود برای پس گیری سرزمین های فلسطین را حزب الله می داند و از کشورهای عربی مأیوس و دلسرد شده است و تنها راه نجات فلسطین را مقاومت اسلامی و مردمی آن دیار می داند:

«چون مقاومت تنها امید موجود و نوید دهنده روزهای خوش در آینده است، هیچ چیز مانع از آن نمی شود تا ناجی العلی به آن بشارت دهد. شکل ها، مانورها، انبوه شعارهای انقلابی و صاحبان آنها، او را سردرگم نمی کند، و تنها بر مقاومت و انقلابیون و تصویر ساده، معهود و پاک آنها همچون آب و هوای ریبه پافشاری می کند» (سلمان، ۱۹۸۳: ۱).

۶. بینامتنیت فرهنگ جهانی

هر ملتی در همه دوره های تاریخی خود به دادوستد فرهنگی با کشورهای دیگر می پرداخته و از فرهنگ های پیرامون خود و حتی دوردست به اشکال گوناگون بهره می برده است. این امر به هیچ وجه یک نقص برای فرهنگ به حساب نمی آید؛ بالعکس تجربه تاریخی نشان داده است که فرهنگ های غنی و تأثیرگذار در اوج شکوفایی خود در ارتباط با فرهنگ های دیگر بوده اند و از میراث فرهنگی دیگر ملت ها بهره ها برده اند. کاریکاتور به عنوان یکی از هنرهای مهم و تأثیرگذار از این قاعده مستثنی نیست. به طوری که کاریکاتورها از نمادها و آداب و رسوم و میراث علمی و ادبی ملت های دیگر جهت بیان مضامین خود استفاده می کردند. ناجی العلی از زمره این کاریکاتوریست ها است که در کاریکاتور زیر از فرهنگ علمی و فلسفی مغرب زمین جهت بیان یکی از مشکلات و دردهای جامعه فلسطین بهره برده است.



در این کاریکاتور العلی قبری را به تصویر می‌کشد که جمله معروف دکارت فیلسوف نامدار فرانسوی بر بالای آن نصب شده است که در آن آمده است: «من می‌اندیشم پس هستم» (دکارت، ۱۳۷۷: ۱۲۸). او با این سبک زیبا، خنده و استهزاء را با حسرت و درد در هم آمیخته است و بدین وسیله به واقعیتی ملموس آن جوامع یعنی خفقان و نبود آزادی اشاره دارد. از سوی دیگر، متن سنگ‌نوشته، بر این دلالت دارد که مرگ نمی‌تواند حرکت افراد صاحب اندیشه و تفکر را متوقف کند. این انسانها با ایجاد حرکت‌های فکری و جنبش‌های مبتنی بر اندیشه، از پایان یافتن زندگی به وسیله مرگ جلوگیری می‌کنند. پس مرگ و یا شهادت آنان، مانعی بر سر ادامه راهشان نخواهد بود.

۷. نتیجه

کاربرد تکنیک بینامتنیت نزد ناجی العلی محدود به یک نوع خاص نیست. اشکال مختلف بینامتنیت تاریخی، دینی، فرهنگی و... در آثار او مشاهده می‌شود که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد. بررسی فنی نحوه کاربرد بینامتنیت در جهت انتقال اندیشه و پیام نویسنده به ذهن مخاطب در کاریکاتورهای ناجی العلی، شامل دو جنبه ساختاری و محتوایی است.

از جنبه ساختاری، الف. در برخی آثار، هم خود کاریکاتور و هم کلمات یا جملاتی که در آن به کار رفته بر پایه بینامتن است. مانند نمونه مربوط به حضرت مریم^(س) و کشتی نوح^(ع) در این نمونه‌ها خود کاریکاتور هم بخشی از بینامتن است. ب. آثاری که بینامتن در آنها مربوط به کاریکاتور است و دیگر کلمه یا جمله‌ای به آن اضافه نشده است. نمونه‌های مربوط به نوع فولکوریک در این دسته قرار دارند. ج. آثاری که هنرمند ابتدا کاریکاتور و طرح مدنظر خود را مستقل از بینامتن، ترسیم کرده و سپس جمله یا کلماتی به کار برده که بیانگر بینامتن است، مانند نمونه مربوط به نامه هارون الرشید. در این دسته از آثار، بینامتن فقط در جملات و متن به کارگرفته شده جریان دارد.

اما از جنبه محتوایی، العلی در استفاده از داستان‌ها، آیات، شعارها و... تمرکز ویژه‌ای بر شمول و فراگیری آنها دارد. به طور مثال مسئله کشتی نوح و یا حضرت مریم در همه ادیان به اشکال گوناگون مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین جمله مربوط به دکارت که بسیار معروف بوده و مخاطب در فهم اندیشه نهفته در این موارد با مشکل مواجه نمی‌شود. مسئله دیگر آنکه ناجی در آثار خود، بینامتن را به گونه‌ای به کارگرفته است تا

با ایجاد سؤال، تعجب، تضاد و.. در ذهن مخاطب، توجه او را به طرح جلب کرده و افکار او را به سمت و سوی مدنظر خویش هدایت کند و این تقابل همان چیزی است که استفاده ناجی العلی از بینامتنیت در آثارش را متمایز کرده است. ویژگی دیگر ناجی العلی، استفاده از مفاهیم و یا نمادهای دیگر کشورها و ملت‌ها در خدمت بیان آلام فلسطین است. در این نمونه‌ها، ظرافت کار نویسنده برای ساخت الگوی مدنظر خود و ایجاد حس مشابه در وجود مخاطب به خوبی قابل مشاهده است. استفاده از حس هم‌ذات‌پنداری، به چالش کشیدن باورهای انسانی در قبال سکوت درباره قضیه فلسطین و پرداختن همه‌جانبه به مسئله اشغال سرزمین و وطن خود از منظر مذهبی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی از دیگر ویژگی‌های ناجی العلی است که تکنیک بینامتنیت نیز در آثار او از این مختصات برخوردار است.

پی‌نوشت

۱. حنظله، شخصیت ثابت در همه کاریکاتورهای ناجی العلی است که نقش شاهد و منتقد اوضاع را ایفا می‌کند. ناجی العلی در جمله‌ای معروف درباره حنظله گفته است: «حنظله به فلسطین وفادار است و هیچ‌گاه به من اجازه نمی‌دهد غیر از این باشم، او همچون قطره عرقی در پیشانی من است تا هر وقت فکر ترسیدن و عقب‌نشینی به خاطرم خطور کند یادآوری من باشد، حنظله آیگونی است که تولد یافته تا روح و جانم را از فروغلتیدن در سراسیمگی انحطاط نجات دهد. آیگونی است که مسیر بیت المقدس را نشان می‌دهد» (عبدالعزیز، ۲۰۰۱: ۵۸).

۲. و هُرِّي إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقَطُ عَلَيْكَ زُبَابًا حَيًّا (مریم: ۲۵).

۳. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ - وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (هود: ۴۰-۴۱).

۴. جنگ حطین جنگی است که در روز بیست و چهارم ربیع الآخر سال ۵۸۳ هـ ق (۱۱۸۷ میلادی) در غرب دریاچه طبریه روی داد و در آن مسلمانان به فرماندهی صلاح‌الدین ایوبی صلیبیون را به سختی شکست دادند و پس از آن به‌سادگی با شکست دادن لشکریان پراکنده صلیبی تمام شهرها از جمله بیت‌المقدس را پس گرفتند.

۵. نوعی رقص که در کشورهای کرانه خاوری دریای مدیترانه همانند فلسطین، لبنان، سوریه و اردن رایج است و به‌عنوان یکی از سنت‌های فولکلوری آن خطه به حساب می‌آید.

منابع

- قرآن کریم.
أبو راشد، عبدالله، «ناجي العلي، ذاکرة مفتوحة على المقاومة»، *جريدة الفنون*، العدد ۴۷، صص ۸-۲۴، ۲۰۰۴.
- الأسدي، عبده، *دراسة في ابداع ناجي العلي*، بيروت، دارالكنوز العربية، ۱۹۹۴.
- البوحدیدی، علي، «الفضاء في الكاريكاتير الساخر، رسوم ناجي العلي الكاريكاتورية»، *الكوفة*، السنة ۲، العدد ۲، صص ۱۹۳-۲۱۴، ربيع ۲۰۱۳.
- خضری، سید احمد رضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- دکارت، رنه، *گفتار در روش راه بردن عقل*، ترجمه محمدعلی فروغی، تصحیح امیرجلال الدین اعلم، تهران، البرز، ۱۳۷۷.
- سلمان، طلال، *کاريکاتير ناجي العلي، ناجي العلي اسمنا الحركي*، بيروت، المركز العربي للمعلومات، ۱۹۸۳.
- شاه سپاه، سارا، «تأثير كاريكاتور به عنوان یک میدان هنری در ایران»، *مطالعات جامعه شناختی ایران*، ش ۵، صص ۱۳۴-۱۹۷، ۱۳۹۱.
- شاه ولی، منصور و ژيلا مشفق، «بررسی کارکرد اطلاع رسانی کاريکاتور با توجه به ویژگی های شخصی سواد بصری و دانش عمومی کاريکاتور»، *کيهان کاريکاتور*، ش ۱۷۶-۱۷۵، صص ۹-۴، ۱۳۸۵.
- طبري، محمد بن جرير، *تاريخ الطبري*، بيروت، دارالتراث، ۱۹۶۷.
- العبودي، فادي عبدالمجيد، *في الذکرى الثانية لاستشهاد ناجي العلي دراسة في كاريكاتير ناجي العلي*، فلسطين، دارمحمد الكروم، ۱۹۸۹.
- عبد العزيز، عمر، *ناجي العلي، الشاهد والشهيد*، الإمارات المتحدة العربية، دائرة الثقافة والإعلام، ۲۰۰۱.
- کلم، محمود عبدالله، *ناجي العلي، کامل التراب الفلسطيني، من أجل هذا قتلوني*، بيروت، داربيسان، ۲۰۰۱.
- _____، *ناجي العلي، من أجل هذا قتلوني*، بيروت، دار بيسان، ۲۰۰۱.
- الفقيه، خالد، *حركة الوعي في كاريكاتير ناجي العلي*، الاردن، دار فضاءات، ۲۰۱۲.
- محلّاتی، رسول، *درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- النابلسي، شاکر، *أكله الذئب، السيرة الفنية للرسام ناجي العلي*، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۲۰۰۵.
- النحار، سليم و آخرون، *ناجي العلي نبض لم يزل فينا*، الاردن، دار البيروني، ۲۰۱۲.
- اليوسفي، ماهر، *ناجي العلي، مدهش الملهاة و متجعجع المأساة*، دمشق، أطلس، ۲۰۰۶.
- Webster, Merriam, *Webster Ninth new collegiate Dictionary*, University of California, 2008.